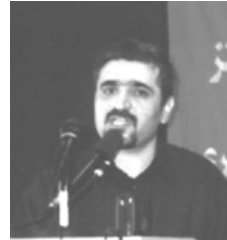


به مناسبت آغاز سال تحصیلی جدید

مصاحبه رادیو انترناسیونال (بخش کردی) با رحمان حسین زاده و اسد گلچینی در تاریخ اول مهر ۱۳۸۰



اسد گلچینی



رحمان حسین زاده

مانع کسب علم و دانش است. **اسد گلچینی:** همین که اسلامی است خود مانع بزرگی در برابر کسب علم و دانش و پیشرفت است. هر چند در سیستم کنونی آموزش و پرورش شما دانش و علم هم یاد بگیرید که بالاخره مواد و درسهایی هست که این را به دانش آموختگان میدهد، منتها آموزش و پرورش در همه سطوح در ایران بشدت با مذهب و قوانین اسلامی مسموم و آلوده است. هر سیستم و نظام سیاسی و اجتماعی حاکم، سیستم آموزش خود را دارد و در ایران هم اسلام در همه مراحل درس خواندن بالای سر آنهاست و این معضل بزرگی برای جامعه ما و برای همه در مدرسه و دانشگاه و برای محصل و استاد است. در درسهها و کتابها که مذهب را تبلیغ و تدریس میکند، درمقرراتی که در محیط مدارس و دانشگاه وجود دارد که همه از قوانین اسلامی در مورد جوانان استخراج شده است، از تبعیض

آماده ورود به دانشگاه میشوند و یا دانشگاه و مراحل عالی تحصیل را به اتمام میرسانند و دوران جدیدی از زندگی را شروع میکنند. برای همه دانش آموزان و دانشجویان و جوانان آرزوی موفقیت دارم.

اما همزمان در جمهوری اسلامی و بسیاری کشورهای سرمایه‌داری و کشورهای فقر زده و استبدادی، بسیاری از جوانان به دلیل فقر و فلاکت و اوضاع نابسامان اقتصادی نمیتوانند وارد مدارس شوند و یا نمیتوانند ادامه تحصیل بدهند، تازه در ایران سیستم گزینش و فیلترهای دولتی مانع ورود به دانشگاه میشوند. به این لحاظ انسان عمیقا متأسف میشود

هلاله طاهری: اسد گلچینی سیستم آموزش اسلامی چقدر

تبدیل میشود. حقیقت اینست دوران سرنوشت سازی برای نسلی است که در این دوران سنی پا به محیط آموزش میگذارد و پرورش آن و به درجه زیادی آینده آن رقم میخورد. شخصا تجربه نموده‌ایم که خیلی از مراحل و دوران این سالها به خاطرات بزرگی تبدیل میشوند. چه آن نونهالانی که سال اول مدارس را شروع میکنند و چه آنهایی که دیپلم میگیرند و

هلاله طاهری: همچنانکه اطلاع دارد امروز اول مهر روز اول سال تحصیلی جدید است و طبعا یک روز مهمی است، نظر شما در این رابطه چیست؟
رحمان حسین زاده: خودتان اشاره کردید، من هم فکر میکنم روز مهمی است. میلیونها انسان، از دانش آموزان و دانشجویان و کلا نسل جوان راهی محیط آموزشی میشوند. کسب دانش و علم به هدف مشترک آنها

ایسکرا می‌پرسد

صفحه ۲

اعلامیه حزب در باره جنایت گروههای اسلامی در کردستان عراق

صفحه ۴

طول موج

رادیو انترناسیونال هر سب

۹ تا ۹ و ۴۵ دقیقه

بوقت تهران

۲۵ متر برابر با

۱۱۶۳۵ کیلوهرتز

تلفن:

۰۰۴۴ ۷۷۱ ۴۶۱ ۱۰۹۹

اطلاعات و پیامگیر رادیو:

۰۰۴۴۲۰۸۹۶۲۲۷۰۷

ایسکرا

سردبیر: ایرج فرزاد

iraj_farzad@yahoo.com

تلفن: ۰۰۴۶۷۰۳۶۸۸۵۱۱

فاکس: 00448701687574

آدرس:

K.F.K.S

Box 15203

104 65 Stockholm

پست گيرو: ۱۶۷۸۴۷۱-۲

این جریان مبارزات تاکنونی زنان در کردستان ایران و عراق را نادیده گرفته و در عالم بیخبری تحرک خود را سرآغاز و فرشته نجات آنان معرفی می کند. دقیقا همین نادیده گرفتن جنبش فی الحال موجود زنان بی ربطی این گروه را در مبارزات زنان نشان می دهد. آنان خود را «جنبش زنان کرد» معرفی می کنند تا جنبش زنان در کردستان را از معنی تهی سازند. اعتراضات روزمره زنان در کردستان ایران علیه جمهوری اسلامی، جنبش حجاب سوزانی و بی حجابی، نافرمانیهای مدنی زنان برای احقاق مطالباتشان از سوی و اعتراضات و مقاومت زنان کمونیست و آزادیخواه در

"پلاتفرم زنان کرد"، کلاه شرعی-شرقی

کنندگان در جلسه آنان را متوجه کردند که جنبش زنان در کردستان قدمت بیشتری دارد و آنها دیر شروع کرده‌اند.

جنبشهای اجتماعی نه ساخته دست افراد منفرد در جلسات و محافل چند نفره بلکه حاصل برآیند و تصادمات طبقات اجتماعی در سطوح میلیونی است. جنبش زنان تاریخی به قدمت ستم کشی زنان داشته و در آن گرایشهای متعددی حول خواستها و مطالبات خود به مبارزه پرداخته اند. در کردستان گرایش راست این جنبش را ناسیونالیست ها و مذهبیون با افق بی غایت ارتجاعی تشکیل می دهند.

پیرامون آن بنام «جنبش زنان کرد» هستند.

موسسین این جریان را ترکیبی از زنان سمپات احزاب مختلف ناسیونالیست کرد به قول خودشان از «بخشهای مختلف کردستان»، زنانی با گرایشهای مختلف و همچنین چند تن از فمینیستهای «مستقل» تشکیل می دهند.

این گروه خود را ساده لوحانه برپا کنندگان «جنبش زنان کرد» معرفی کرده و برای اولین نشست این «جنبش» هلهله راه انداختند. همانجا معلوم شد که آنان از بینش سیاسی بسیار نازلی برخوردار بوده، شرکت



هلاله طاهری

اخیرا پلاتفرمی به امضای «جنبش زنان کرد» در خارج کشور به چاپ رسیده است. نویسندگان این پلاتفرم در شهر استکهلم طی جلسه ای به تاریخ ۱۵ سپتامبر آن را معرفی کرده و در تدارک سازماندهی تشکلی

صفحه ۳

ایسکرا می پرسد

در رابطه با درگیری نظامی اتحادیه میهنی و گروه جندالاسلام

از چند روز قبل درگیری نظامی اتحادیه میهنی کردستان و گروه جندالاسلام در کردستان عراق شروع شده و در اولین مقطع درگیری تروریستهای اسلامی بیش از ۴۰ تن از اعضای مسلح اتحادیه میهنی را بعد از اسارت، کشته و بعضی از آنها را سربریده‌اند، در مرحله بعد اتحادیه میهنی آنها را از شهر حلبچه بیرون رانده‌است. نظر شما در این رابطه چیست؟ رحمان حسین زاده: بگذار دو نکته را مقدماتاً تاکید کنم ترور

و سربریدن و جنایتی که تروریستهای "جندالاسلام" مرتکب شده فجیع، ضدانسانی و غیر قابل تحمل است. این عمل جنایتکارانه محکوم است. ما و هر جریان و انسان آزاده‌ای بی‌زاری و نفرت خود را از این واقعه اعلام میکند و ما با خانواده و بستگان این قربانیان همدردی عمیق خود را ابراز میکنیم و نکته دوم اینکه به تروریسم اسلامی و موجودیت گروههای تروریستی اسلامی در کردستان عراق باید پایان داد،

این بخش مهمی از تلاش و مبارزه پیگیر ما کمونیستها و حزب کمونیست کارگری عراق در یکدهه اخیر بوده و در این راه محدودیتها و سختیها را تحمل کردیم، در این راستا رفقای چون شاپور عبدالقادر و قایل عادل از کادرهای رهبری حزب کمونیست کارگری عراق را از دست دادیم، فتوای قتل ریوار احمد از جانب "حزب الله کرد" صادر شد. روزنامه بویپشه‌بوه به دلیل درج مقاله ریوار احمد علیه اسلامیه مدتی تعطیل شد و سازمان زنان و رهبران آن با تهدید تروریستهای اسلامی روبرو بوده و هستند. موارد متعدد

تعرضات و توطئه‌های سیاسی و نظامی اسلامیه‌ها و یا احزاب حاکم کردستان به دفاع از آنها را خنثی کردیم. در هر حال این اولین بار نیست که گروههای تروریستی اسلامی چنین جنایت فجیعی را در کردستان عراق مرتکب میشوند. اینها بار دیگر تروریسم آشکار و بربریت خود را به وضوح نشان دادند. جریانات اسلامی که ریشه و پایه اجتماعی در میان مردم نداشته و ندارند در یکدهه اخیر تحت حمایت رژیمهای ارتجاعی چون جمهوری اسلامی، عربستان سعودی و اخیراً طالبان افغانستان و بن لادن پایه گذاری شدند و با پول و اسلحه و امکانات آنها به جان مردم



به مناسبت آغاز سال تحصیلی جدید

بزرگی که به نسبت دانش آموزان هست، از اینکه آموزش و پرورش در اختیار همگان و در همه مراحل نیست، و کسانی که پول ندارند حداقل از درس خواندن در همه سطوح محرومند. مساله پوشش اسلامی در محیط مدرسه از ابتدایی تا دانشگاه و.. همگی فضای سیاه و سنگینی در در همه مدارس کشور ایجاد کرده است که مورد نفرت همگان است.

جوانان در محیط دبیرستان و دانشگاه به این تناقضات آگاهانه جواب میدهند و میدانند که بشدت این محیط و سیستم و فضا با آنچه آنها میخواهند تفاوت دارد، میدانند که همسن و سالهای آنها در دیگر کشورهای مدرن و پیشرفته چگونه هستند و همین جوابهای داده شده است که حکومت و سیستم آموزشی آنها را مورد تعرض همیشگی قرار داده است و بالاخره مهمترین تناقض این است که مذهب از سیستم آموزشی باید جدا شود.

هلاله طاهری: فضای سنگین

و اختناق زده چقدر امکان میدهد دانش آموزان و دانشجویان در مبارزه شرکت کنند و در این مقطع در شهرها چه نقشی در مبارزات میتوانند ایفا کنند؟

رحمان حسین زاده: اسد

گلچینی به این فضا اشاره نمود، طبعاً این هم جزو واقعیات تلخ تحصیل در جمهوری اسلامی و کشورهای مشابه است. ببینید نسل جوان در مدارس و دانشگاه

است بیشتر صحبت کنید؟

اسد گلچینی: علیرغم خفقان و

سرکوبی که همیشه جمهوری اسلامی در برابر نارضایتی، اعتراض و مبارزه جوانان قرار داده است، کانون گرم مبارزه در جامعه در اینجا در میان جوانان در دانشگاه و دبیرستان بوده است. در شهرهای کردستان نیز جوانان نقش مهمی در همه اعتراضات داشته‌اند. آنها دارای محافل و شبکه‌های مبارزاتی خود هستند که با هم ارتباط دارند، بحث میکنند و به نتیجه میرسند که چکار کنند و اشکال متفاوتی از اعتراض و فعالیت را سازمان میدهند و طبیعی است که تشکل خود را دارا هستند. بنظر من هم مهم این است که این مبارزات بر تشکل‌های پایداری متکی شوند. هر نوع تشکلی و هر شکل و نامی به آن میدهند مهم این است که این خواستها و مبارزات در قالب این تشکلهای ادامه داشته باشد. اگر خواهان رابطه جوانان به هر منظوری بدون مزاحمت قوانین رژیم هستیم، اگر میخواهیم قوانین مذهبی و سرکوبگرانه رژیم نادیده گرفته شود و اگر میخواهیم روزنامه دیواری و مجله و کنفرانس و تجمع منظم داشته باشیم و گروه‌های هنری مختلف ایجاد کنیم همه نیاز مند داشتن روابطی محکمتر و منظم تر و داشتن نقشه و برنامه است. الان که بویژه تشکلهای دوم خردادی در این محیطها نمیتوانند کسی را جلب کنند، فضا برای فعالیت جوانان کمونیست شفافتر و روشنتر شده است که این

مبارزات را سازمان بدهند. آنچه

مهم است فعالیت دوستداران حزب است که باید بعنوان فعالین پیگیر اعتراضات رادیکال و تشکلهایی که ادامه این مبارزات را تامین کند کار کنند. این رفقا میتوانند و باید بعنوان شخصیتهای شناخته شده در محیط مدرسه و دانشگاه شناخته شوند، در راس و از رهبران آن باشند.

اشکال متنوع و مختلفی میتوانند برای پیشبرد مبارزات در دانشگاه و دبیرستان، ایجاد شود، این را رهبران و فعالین این مبارزات خود تشخیص میدهند مهم این است که توده وسیع جوانان در این محیطها به این تشکلهای جلب شوند و برای فرهنگی مدرن و انسانی و بر علیه قوانین اسلامی و غیر انسانی اسلامی مبارزه کنند.

نکته دیگر این است که در شهرهای کردستان غیر از فرهنگ اسلامی و مذهبی که محیط را مسموم و آلوده کرده است، ناسیونالیسم هم وجود دارد که این هم بشدت مانع مبارزه برای فرهنگی مدرن و انسانی است که باید طرد شود.

هلاله طاهری: در خاتمه رحمان حسین زاده اگر پیامی و یا نکته‌ای هست در فرصت کوتاه باقیمانده، بیان کنید؟

رحمان حسین زاده: در خاتمه میخواهم بر چند مسئله تاکید مجددی داشته باشم.

در فرصت دوره آموزشی یکسال آینده بگذار بیشترین تلاش را برای کسب دانش و علم و آگاهی علمی دریغ نکنیم. هر کس صرفنظر از موقعیت شغلی آینده و برنامه فردی که برای خود تدارک دیده،

در دنیای امروز باید بیشتر بداند و بخواند. محدودیتهای جمهوری اسلامی در حد معینی مانع است اما دوره ارتباطات سریع جهانی و اطلاع از دستاوردهای جهانی است، باید ابتکار داشت و موانع را خنثی نمود.

در جامعه خفقان زده تحت حاکمیت جمهوری اسلامی، نسل جوان، محیط آموزش و دانشگاه و مدارس، چشم امید مردم برای اعتراض علیه نظم جهانی موجود و جمهوری اسلامی است. پیشروان رادیکال و مبارز، نسل جوان کمونیست میتوانند و باید الهام بخش تحرک مبارزاتی جدی در این رابطه باشند. متحد کنند و متشکل کنند، فرهنگ و سنت اسلامی را در تنگنا قرار دهند و در کردستان همزمان فرهنگ و سنت و اثرات ناسیونالیسم و عقب ماندگی را ایزوله و طرد نمایند و مبلغ و مروج سیاست و سنت و فرهنگ آزادیخواهانه، برابری طلبانه و مدرن باشد. جوانان کمونیست مروج و اشاعه دهنده کمونیسم آرمان‌رهایی انسان باشند و متحد کننده و متشکل کننده باشند. انتظار داریم نسل پیشرو و رادیکال و کمونیست همبستگی و همسرنوشتی مبارزاتی را با مبارزات سراسری تحکیم و تامین کنند، با حزب کمونیست کارگری ارتباط برقرار کنند تا دست در دست هم امر مشترک مبارزاتیمان را به سرانجام برسانیم، به امید سال موفق برای همه شما عزیزان و به امید سال پیروزی

ایسکرا می پرسد

چه اتحادیه میهنی و دیگر احزاب ناسیونالیست بخشا به منظور منطبق نمودن سیاست خود با سیاست "اتلاف جهانی علیه تروریسم" آمریکا در این مقطع به بیرون راندن اسلامیهها از مناطقی از کردستان اقدام نموده‌اند، با این وصف پاکسازی اینها از شهر حلبچه و بعضی مناطق اطراف آرزوی مردم زجر دیده و بویژه زنان و جوانان

کردستان به عنوان دو حزب حاکم، گروههای اسلامی را حمایت کردند، آنها را در قدرت سهیم کردند، امکانات و بودجه در اختیارشان گذاشتند. در مقابل جبهه سکولار و مردم آزاده و حزب کمونیست کارگری از آنها دفاع کردند و هنوز هم بخشی از این جریانات اسلامی زیر حمایت آنها و شریک در قدرت با آنها هستند. پایان دادن به حضور جندالاسلام پایان کل

تروریسم اسلامی در کردستان عراق نیست. مردم آزاده خواستار برچیدن کل بساط این باندهای گانگستری و مافیایی هستند و با تمام توان در این راه باید کوشید. اتحادیه میهنی و حزب دمکرات کردستان مجاز نیستند به بهانه برچیدن بساط گروه کوچک "جندالاسلام" طرفدار بن لادن دیگر سازمانها و جریانات تروریست اسلامی

را تیرئه کنند. حزب کمونیست کارگری ایران خود را شریک در مبارزه آزادیخواهانه مردم کردستان عراق برای پایان دادن به تروریسم اسلامی میدانند. حزب کمونیست کارگری عراق کمپین سیاسی عملی مشخصی را در این رابطه تدارک دیده، ما جزئی از این کمپین بوده و برای پیشبرد آن میکوشیم.



پلاتفرم زنان کرد ۰۰۰

عراق علیه رشد و نفوذ اسلامیهها و قوانین پوسیده و ارتجاعی از سوی دیگر شاهدی بر حضور یک جنبش رادیکال و سوسیالیستی در کردستان ایران و عراق است.

نگاهی به پلاتفرم این جریان عقب ماندگی و آغشتگی ملی اسلامی آنها را نشان میدهد. این جریان عوامفریبانه مدعیست که خواهان جامعه ای سکولار بوده، در حالی که در این برنامه مهمترین رکن یک جامعه سکولار که جدایی دین از دولت است بکلی غایب است. جالب توجه اینکه خانم منیره مفتی زاده یکی از نویسندگان پلاتفرم در سمینار استکهلم برای تنظیم این سند به شیخ عزالدین حسینی پناه برده و از جمله نظر ایشان را در مورد شهادت دو زن در مقابل یک مرد در دادگاه جویا می شود. آنان مدعی هستند که به دلیل اسلامی بودن جامعه کردستان نمی توان مستقیما خواست ها و مطالبات غیر مذهبی را در جامعه پیاده نمود!؟

بدون شک این حکم در مورد خانم مفتی واده و دیگر نویسندگان سند «جنبش زنان کرد» صادق است. آنان می توانند از این پس نیز در باب دیگر مسائل و معضلات اجتماعی زنان به شیخ عزالدین مراجعه کرده نظر ایشان را جویا شوند. اما مردم کردستان مدتهاست که تکلیف خود را با مذهب و مرتجعین مذهبی روشن کرده اند. مذهب اسلام همواره زن ستیز و ضد زن بوده، ۲۳ سال است

جمهوری اسلامی شنیع ترین و ضد انسانی ترین بلایا را بر سر زنان آورده، بردگی زنان و نیمه انسان تصور کردن آنان جزو لایتنجای هویت جانینان اسلامی می باشد. از طرفی دیگر در کردستان عراق فجایی نظیر قتلهای ناموسی ۵۰۰۰ زن، پاشیدن اسید به روی آنان و خشونت آشکار علیه زنان، به صحنه های روزمره زندگی در چنگال حاکمان ناسیونالیست کرد تبدیل شده است. برآستی اینها ارتجاع اسلامی و بردگی و خشونت علیه زن را در مذهب و فرهنگ اسلام و ناسیونالیسم در قدرت چگونه توجیه می کنند؟ خواست جدایی دین از دولت که یک رکن اساسی در آزاد شدن زنان و رسیدن به برابری حقوقی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادیست،

در پلاتفرم این جریان موجود نیست. برای مثال در رابطه با مبارزه زنان در کردستان ایران اگر خواست سرنگونی جمهوری اسلامی و الغای مذهب به عنوان دو پیش شرط رهایی اجتماعی زنان در این برنامه غایب است پس نقد آنان به ستم کشی زن در کجا نهفته است؟ و یا آنان به چه چیز این جهنمی که زنان در عراق و ایران بسر برده، انتقاد می گیرند؟ برآستی آنان برای زنان چه می خواهند؟

نویسندگان پلاتفرم زنان کرد به مشاورت با شیخ عزالدین حسینی قناعت نکرده پیش نویس سند را برای تایید مجدد تقدیم به اتحادیه میهنی و دیگر احزاب ناسیونالیست و به قول خودشان "دولت همریم" نموده و نظر آنان را هم جویا گشته اند. تایید این سند از طرف احزاب ناسیونالیست کردستان عراق که سابقه سیاه

آنها در برخورد به مسئله زنان بر کسی پوشیده نیست، بیش از هر چیز گواهی بر بی خاصیت بودن و محتوای ناسیونالیستی این سند میباشد. سران دو حزب حاکم کردستان عراق خود باید در دادگاههای مردمی به جرم ۱۰ سال کشتار و خشونت علیه مردم و بویژه زنان محاکمه شوند. یقینا حمایت و تایید این احزاب نه نشانه قدرت بلکه برای پدیده «جنبش زنان کرد» چیزی جز شرمساری نخواهد داشت.

به عنوان مبنای اولیه جلوگیری از هر گونه دست درازی مذهب در زندگی خصوصی مردم، آزادی پوشش، برابری زن و مرد در تمام شئون زندگی اعم از سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و مبارزه با فرهنگ و سنن ارتجاعی

ضد زن بطور جدی و با ضمانت اجرایی از جمله خواستهایست که راه را برای رسیدن به برابری زن و مرد و رهایی واقعی زنان از یوغ بردگی هموار می کند. این کار از عهده احزاب ناسیونالیست بر نمی آید. آنها بارها با وعده و وعید به فریب مردم پرداخته و درآستانه قدرت در مقابل آنان ایستاده و سنگ اندازی می کنند. گروهها و تشکلهای به اصطلاح مستقلی نظیر نویسندگان «پلاتفرم زنان کرد» می توانند عامل فشار و «غمخور» جنبش و احزاب حاکم مورد علاقه خود باشند، اما هرگز مبارز پیگیر این راه نخواهند بود، چرا که تکلیف خود را با مذهب و

ناسیونالیسم نه تنها روشن نکرده بلکه دست در دست آنها گذاشته‌اند و تلاش خود را به مشورت و پرس و جو با صاحب نظران مذهبی و ناسیونالیست گره زده اند. با کلاه شرعی، شرقی نمی توان به جنگ زن ستیزی و نابرابری رفت. اما این کار جنبش برابری طلبی، جنبش زنان آزادیخواه و در یک کلام کار ما کمونیستها به مصابه صاحبان واقعی جنبش رادیکال زنان است.

جنبش واقعی برابری طلبانه زنان در کردستان ایران بر سر لوحه خواستهای خود سرنگونی جمهوری اسلامی و کوتاه کردن دست ناسیونالیستها و مرتجعین ملی مذهبی کرد را از سر خود مطالبه می کند.



اشکال مختلف این باندهای اسلامی را کمک کرده‌اند. اما مدتهاست تجربه نشان داده است که سرانجام تلخ چنین سیاستی، سوق دادن کردستان به منجلا ب تروریسم است. متأسفانه این تراژدی انسانی یک بار دیگر چنین سرانجام تلخی را در مقابل مردم کردستان قرار داد.

حزب کمونیست کارگری عراق این جنایت هولناک را شدیداً محکوم و رسوا کرده و از صمیم قلب با خانواده قربانیان این جنایت ابراز همدردی میکنیم. ما همزمان با تمام توان برای برچیدن و ریشه کن کردن تروریسم اسلامی تلاش کرده و تمام مردم آزاده را برای مبارزه در این راستا فرامیخوانیم.

حزب کمونیست کارگری عراق
۲۵ سپتامبر ۲۰۰۱

بخشهایی از اطلاعات حزب کمونیست کارگری عراق در رابطه با جنایات باندهای تروریست اسلامی در کردستان عراق:

جنایات وحشیانه باندهای تروریست اسلامی را محکوم و رسوا میکنیم!

روز ۲۳ سپتامبر باندهای چاقوکش (جند اسلام) در ناحیه اورامان در اقدامی وحشیانه دست به کشتن و سر بریدن دهها کس از افراد اتحادیه میهنی کردسیان عراق زدند. این نمونه‌ای از وحشیانه‌ترین شیوه تروریسم و انسان کشتن باندهای اسلامی است که وجدان هر انسانی را بشدت تکان میدهد. اما این آدمکشان با این وحشیگری در اوضاع

کنونی در عین حال حکم به نابودی خود داده‌اند. مردم آزادیخواه کردستان باید برای اجرای چنین حکمی فوری به میدان بیایند. در همان حال این دلیلی است که مردم کردستان را برای ریشه کن کردن پایه‌های تمام اشکال تروریسم اسلامی فرا

میخواند. ... پاکسازی و برچیدن تمام پایگاه، مقرات و لانه‌های تروریستی و منابر اعلام فتوای این باندها باید بیدرنگ سراسر کردستان و قبل از هر چیز مراکز شهرها را به میدان خود تبدیل کند.

احزاب حاکم کرد در چند سال گذشته از تن دادن به این خواست بر حق مردم کردستان سر باز زده و در عوض به

گروههای تروریست اسلامی دهها تن را در کردستان عراق با شمشیر سر بریدند

شامگاه یکشنبه ۲۳ سپتامبر (اول مهرماه) یک دسته تروریست اسلامی موسوم به "جندالاسلام" با شیبخون به یک روستا در منطقه حلبچه کردستان عراق دهها تن از نیروهای مسلح اتحادیه میهنی کردستان را به قتل رساندند. اکثر کشته شدگان را تروریست های جندالاسلام ابتدا به اسارت گرفتند و سپس بطرز وحشیانه ای با شمشیر سر بریدند. به دنبال این جنایت تروریستی، نیروهای مسلح اتحادیه میهنی شامگاه دوشنبه ۲۴ سپتامبر با حمله به شهر حلبچه که در چند سال گذشته تحت تسلط باندهای اسلامی مرتجع و تروریست وابسته به جمهوری اسلامی و طالبان بوده حمله کردند و این شهر را به کنترل خود در آوردند. باندهای اسلامی ناچار شدند

از شهر حلبچه عقب بنشینند و اکنون در روستاهای مرز ایران مستقر شده و سنگر گرفته اند. روز سه شنبه ۲۵ سپتامبر یک هیات جمهوری اسلامی به شهر سلیمانیه آمده و از اتحادیه میهنی خواسته است که به خواسته اسلامیون برای تسلط مجدد بر شهر حلبچه گردن بگذارد.

طی ده سال گذشته گروههای تروریست اسلامی کردستان عراق که همگی دست ساخت اطلاعات سپاه پاسداران و مزدوران علنی جمهوری اسلامی و طالبان هستند هر جا حضور داشته اند تلاش کرده اند تا با تهدید و ترور و کشتار و انفجار، جو خفقان اسلامی بر جامعه تحمیل کنند. پرونده جنایات اینها لیست طولیلی از ترور گسترده زنان، ترور آزادیخواهان و کمونیست ها و فعالین اپوزیسیون جمهوری

اسلامی، صدور فتوای قتل، انفجار آرایشگاههای زنانه و کتابفروشی ها و غیره را شامل میشود. علاوه بر این جنایات تروریستی، درگیری های مسلحانه باندهای اسلامی با احزاب حاکم کردستان عراق بر سر مناطق نفوذ، تلفات و خسارات زیادی برای مردم ببار آورده است. هر دو حزب حاکم کردستان عراق با وجود کشمکش های متناوب با دارودسته های اسلامی بر سر تقسیم قدرت، عملا آنها را در قدرت شرکت دادند، سالها به تسلط یگانه آنها بر حلبچه و سیدصادق و نواحی مجاور و برقراری یک خفقان کامل اسلامی بر این مناطق مهر تایید زدند، در برابر نفرت و نارضاایتی وسیع مردم و آزادیخواهان و بویژه حزب کمونیست کارگری عراق از آنها حمایت کردند و دست شان را در همه جنایات تروریستی و ایجاد فضای ترور و خفقان در جامعه باز گذاشتند. مردم آزادیخواه کردستان عراق بشدت از دارودسته های اسلامی تروریست بیزارند و همواره خواهان برچیدن بساط آنها و اربابشان جمهوری اسلامی ایران

از آن منطقه بوده اند.

حزب کمونیست کارگری ایران جنایت فجیع اخیر دارودسته های تروریست اسلامی در کردستان عراق را شدیداً محکوم میکند و با همه قربانیان اعلام همدردی میکند. تروریسم اسلامی و همه دارودسته های مزدور جمهوری اسلامی باید از کردستان عراق برچیده شوند. دست تروریسم کثیف رژیم اسلامی باید فوراً از زندگی مردم منطقه و اپوزیسیون جمهوری اسلامی ساکن در این منطقه کوتاه شود. این کار در گرو تلاش پیگیر و قاطع مردم آزادیخواه و حزب کمونیست کارگری عراق است. مردم آزادیخواه برای تحقق هرچه سریعتر این هدف همچنین باید اتحادیه میهنی و پارت دموکرات کردستان عراق را زیر فشار بگذارند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۶ سپتامبر ۲۰۰۱
۴ مهرماه ۱۳۸۰

مرگ طاهر عبدی انسان شریفی که در میان مردم شهر سقز بسیار محبوب بود باعث تاجر فراوان شد. طاهر انسانی حق طلب و انسان دوست بود و با مرگ خود آشنایان و دوستان و نزدیکانش را داغدار کرد. ما نیز ضمن تأسف فراوان، مرگ طاهر عبدی را به خانواده، بستگان و دوستان و آشنایانش صمیمانه تسلیت میگوئیم.

رحمان دولتی کارگر بیکار خود را حلق آویز کرد!

روز پنجشنبه ۲۲ شهریور (۱۳ سپتامبر) رحمان دولتی کارگر ۵۵ ساله در پارک مولوی در شهر سقز بوسیله یک طناب خود را به درختی حلق آویز کرد و جانش را از دست داد. رحمان دولتی کارگر بیکار بود. مدتی در یک قهوهخانه در سقز کارگری میکرد و سرانجام بدون هیچگونه تأمین اجتماعی و بیمه بیکاری، این کار را هم از دست داد. فشار زندگی و فقر شدید و ناتوانی از پرداخت کرایهخانه و تأمین زندگی خانواده اش که ۱۰ نفر بودند، آنقدر او را تحت فشار قرار داد که سرانجام خود را حلق آویز کرد. بیشک خود کشی راه مقابله با این گونه مشکلات اجتماعی نیست اما با این وصف کم نیستند کسانی که فشار فقر و فلاکتی که ارمغان حکومت کثیف اسلامی است، برای نجات خود دست به چنی اقدامی میزنند. ما مرگ رحمان دولتی را به خانواده و بستگانش تسلیت میگوئیم.

دو خبر ناگوار از سقز

طاهر عبدی انسان محبوب و برابری طلب جان باخت!

روزجمعه ۳۰ شهریور (۲۱ سپتامبر) طاهر عبدی در اثر تصادف ماشین در شهر سقز جانباخت.

کمیته کردستان

رحمان حسین زاده (دبیر کمیته)

Tel: 0046 739 855 837

email: r_hoseinzadeh@yahoo.com

مسئول دبیرخانه کمیته کردستان

هلاله طاهری

Tel: 0046 73 61 62 211

email: halale_taheri@yahoo.com

اطلاعیه مطبوعاتی ۲

سومین کنفرانس مدوسا

نه روسری نه تو سوری

جنیش برابری طلبی زنان در ایران از ۱۳۵۷

مدوسا سومین کنفرانس خود را در لس آنجلس، آمریکا در تاریخ ۲۶ تا ۲۸ اکتبر ۲۰۰۱ برابر با ۴ تا ۶ آبان ۱۳۸۰ برگزار میکند.

جنیش برابری طلبی زنان از انقلاب ۵۷ وارد دوره نوینی شد و دچار تحولات بسیار عمیقی گردید. در کنفرانس سوم مدوسا این جنبش، تحولاتی که از سرگذرانده، و آینده آن از زوایای مختلف مورد تحلیل و بررسی قرار میگیرد.

لیست سخنرانانی که تاکنون قطعی شده است:

شهره آغداشلو، مینا احدی، مهناز لاجمی، الهه اماتی، هما سرشار، نهضت فرنودی، اعظم کم گویان، آذر ماجدی، آذر نفیسی، پرتو نوری علاء

محل کنفرانس: دانشگاه یوسی ال ۱

علاقمندان شرکت در کنفرانس میتوانند از طریق زیر یا ما تماس بگیرند.

تلفن: ۰۴۴ ۷۷۶ ۵۲۳ ۵۰ ۱۷

فکس: ۰۴۴ ۸۷۰ ۱۳۵ ۸۳ ۸۵

ای میل:

azarmajedi@yahoo.com

دست مذهب از زندگی مردم کوتاه!